

هر لحظه سجدت تو نماز بر طاعتت
چون نظر سجدت طاعتت را در خود و کلید

بارگزان بینی خرد بر زمین زنج
نند و بر تو کمالی بولایت و لاون تو سر

مطایبه نظری شخص را بد که سوی بسیار بروی
بفریفت بر شخص که در وقت بوقاض بوزن او ز

دینک بود گفت این سویها برکن پیش از آن که روی تو سر
بپوشاید

قطعه خواهی هر روز که بچو چینه
نویس هر کوه که از ما نقاشی

از رخ خود نه سوی بر کرد
که در روزی چو بکن در بروی

رویش از سوی حکم سر کرد **مطایبه** معاویث و عقیل بن
یوزی هکده پیش کلین دور

ای طالب با هم نشسته بودند معاویه گفت ای اهل شام هیچ
عقیل بر بپوشد او تو را و هر

شنید اید قول الله تعالی از انجا که می گردید تبت بدی ای هب
ز شمشیر خدا که روزی از او بر ما که لیدر

وتب گفتند اری گفت ابو هب عم عقیلست و عقیل گفت
دوبل لون دور

ای اهل شام هیچ شنید اید قول الله تعالی از انجا که می گردید
ای شام لیدر

قاله

حالة الخطب گفتند اری گفت حالة الخطب عن معاویث
معاویث ظاهر است

قطعه چون هست در حق مقتض غیب دیگر
چو در روزی است غیبی غیر اقسا لیدر

گردن بان تا قاعد مرد با هشت
که بیوه عفتو کنگر قاعد بر دکلر

او خامشت از قوا ز غیب تو چیز
دوله لیدر سده هفتاد و یک عسکده نجه

گو یا کنی بعیب تو از آنکه خامشت **مطایبه** علوی
سویه در سن عسکده لیدر ابیدر

باشخص در انشای خصومت گفت مرا چون دشمنی داری
بر شخص

و حال آن که تو مامور بان که در هر نماز بر من صلوات
داده که سما بوس که بوزنای بر لوزم سلولر

فرستید و بگویی اللهم صل علی محمد و علی آل محمد
و بپوشد دور

گفت من الطیبین الطاهرین نیز بگویم و تو از آن بیرون
دور طینه پاکده و بی دوری و الله فارسی

قطعه ای که زالی نبی می شمری خود را
لیدر لیدر که لیدر لیدر

هست گواهی بر آن یا کی ذات صفات
طاهره که لیدر لیدر

Copyright © King Fahd University